

# آن سوی آینه‌ها

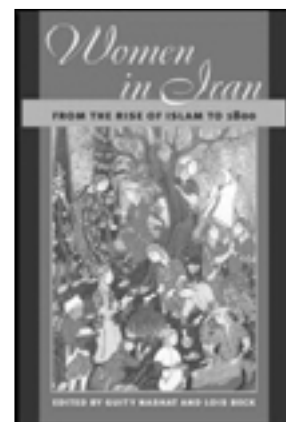
## زنان در ایران، از آغاز تا انقلاب اسلامی

### • مرزیه سلیمانی

کنند. ایران نیز از این قاعده مستثنا نبود. در قرن گذشته بسیاری از عادات اجتماعی و رفتارهای سیاسی ما تغییر کرده‌اند و به تبع آن، قوانین موضوعه‌ی کشور نیز یا از بنیاد دگرگون شده و یا مورد بازبینی قرار گرفته‌اند. اما علی‌رغم برخی تنگ‌نظری‌ها، شاید بتوان گفت هیچ یک از تغییرات اجتماعی و سیاسی که از انقلاب مشروطه بدین سو به وقوع پیوسته‌اند، به اندازه‌ی مسائل زنان پر تعداد و بحث‌انگیز نبوده‌اند.

در محیط شهری پیش گفته، زنان با سرعتی شتاب‌گیرنده به مرتبه‌ای برابر با مردان می‌رسند. نسبت زنان باسواد به مردان هر روز بیشتر می‌شود به گونه‌ای که اخیراً تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان دختر، از پسران پیشی گرفته است. زنان در همه‌ی حوزه‌های فعالیت - خارج از خانه - حضور می‌یابند و باز هم رشد تکنولوژی و حضور دستگاه‌های تکنولوژیک، از کامپیوتر و تلفن همراه گرفته تا سیستم‌های گول‌پیکر آزمایشات فیزیکی، تقسیم‌بندی سنتی مشاغل به زنانه و مردانه را به وضوح کاهش داده است. در عرصه‌ی سیاسی، زنان با تکیه بر شکفتگی علمی، اجتماعی و اقتصادی پیش می‌روند و با حضور در مجلس و دولت، مناسب‌ترین چارچوب‌های قانونی را در مکانیسم‌های چرخش سیاسی طلب می‌کنند.

نقش زنان در جنبش‌های یک صد سال اخیر ایران، نقشی مهم و غیرقابل انکار است. علی‌رغم جنگ‌های فرسایشی متعدد، درگیری‌های داخلی، وابستگی سیاسی کشور به روس و انگلیس، بی‌قانونی و فقر، زنان در انقلاب مشروطه به پیشرفت‌های سیاسی و اجتماعی پراهمیتی دست یافتند و در جنبش‌های اجتماعی نقشی فعال ایفا کردند. با لغو قرارداد رژی که در سال ۱۲۶۹ هـ. ش اتفاق افتاد، زنان از اندرونی‌ها بیرون آمدند و با عمل به فتوای علما مبنی بر حرام بودن استفاده از توتون و تنباکو، قلبان‌ها را شکستند. تا این که شاه مجبور به لغو قرارداد و گذاری امتیاز دخانیات به **ماژور تالبوت** شد. در سال‌های قحطی نان، زنان تبریز در جنگی مسلحانه علیه محتکرین گندم وارد عمل شدند، انبار گندم را به تصرف خود درآوردند و گندم‌ها را بین گرسنگان تقسیم کردند.<sup>۲</sup> نمونه‌ی دیگر حضور زنان در جنبش مشروطه، ترور **سیدمحمد یزدی** به هنگام دشنام به مشروطه بود که زنی مشروطه‌خواه او را با شش‌لولی هدف گلوله قرار داد و کشت، اما طرفداران سید و مردم او را در دم تکه تکه کردند. ناظم‌الاسلام کرمانی نیز به مبارزات مسلحانه‌ی زنان اشاره کرد و



- Women in Iran from the Rise of Islam to 1800
- Paper back: 272 Pages
- Women in Iran from 1800 to Islamic Republic
- Paper back: 304 Pages
- Publisher: University of Illinois Press
- Language: English

جنبش‌های اجتماعی، ویژگی نماد دنیای مدرن هستند. مطابق تعریفی که **گیدنز** به دست می‌دهد، جنبش اجتماعی «کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک، یا تأمین هدفی مشترک، از طریق عمل جمعی خارج از حوزه‌ی نهادهای رسمی»<sup>۱</sup> است. این تعریفی عام و کلی است و طبیعی است که طیف وسیعی از جنبش‌های کوچک و بزرگ، شهری و روستایی، قانونی و زیرزمینی، دگرگونی‌ساز و انقلابی و یا اصلاح‌کننده و آرام وجود دارد. اما صرف‌نظر از طبقه‌بندی این جنبش‌ها، عوامل شکل‌دهنده یا تشدیدکننده‌ی جنبش‌های اجتماعی نیز محدوده‌ی گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد. این محدوده از فشارهای ساختاری - یا به قول مارکس تضادها - که آغازگر منافع متضاد در جامعه است آغاز می‌شود و تا احساس مبهم اضطراب یا وجود دشمن و باورهای تعمیم‌یافته - که اغلب منجر به جنبش‌های انقلابی می‌شوند - پیش می‌رود.

با توسعه‌ی شهرها و ورود به دنیای مدرن، نه تنها عادات و شیوه‌های زندگی، بلکه نحوه‌ی اندیشه و احساس مردم نیز تغییر کرد، آهنگ زندگی شتاب بیشتری به خود گرفت، و انسان‌ها در پی آن برآمدند که خویشان را با این تغییرات روزافزون هماهنگ



## اگرچه در خرداد ۱۳۴۲، طی یک اقدام نمایشی و اصلاح سلطنتی، زنان دارای حق رأی شده بودند؛ اما تجربه‌ی تاریخی و سیر رویدادهای پس از آن واقعه نشان داد که این قبیل کارها، علاج انسداد سیاسی زنان نیست.

آن‌ها را به نرّه شیر تشبیه می‌کند.<sup>۲</sup> حمایت از پروژه‌ی بانک ملی، پس از تشکیل مجلس در اکتبر ۱۹۰۶، با اهدای پول و جواهرات، تحصّن در خیابان علاءالدوله - متصل به سفارت‌خانه‌ی انگلیس - در هنگام تحصن مشروطه‌خواهان؛ غذا دادن، پناه دادن و پذیرایی از انقلابیون در خانه‌های خود، تحریم محصولات وارداتی و ... تنها نمونه‌های نام آشنای این حضورند.

در عصر پهلوی اول نیز تشکل‌های زنان پدید آمد؛ اما شاخص اهداف و پیامدهای آن البته بسیار متفاوت بود. با واقعه‌ی کشف حجاب نقش و حضور زنان در جنبش‌های معاصر گام در مرحله‌ی نوینی گذاشت و با ورود زنان به عرصه‌ی تئاتر، سینما و تلویزیون در دوره‌ی پهلوی دوم، شکل دیگری پیدا کرد. زن ایرانی می‌دید که علی‌رغم ظواهر مردم‌فروبی مثل حضور برخی زنان در عرصه‌های سیاسی، وجود پارلمان، آزادی احزاب سیاسی و فعالیت‌های صنفی باز هم هویت او به رسمیت شناخته نشده و باز هم در هیچ کدام از نهادها و سازمان‌ها نقشی اساسی بدو محول نشده است. پس با نقد مدرنیته بی‌یال و دم و اشکم دهه‌ی آخر سلطنت پهلوی، زمینه‌های حضور خویش را فراهم‌تر و آشکارتر ساخت. به گونه‌ای که در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن، دیگر حق مشارکت زنان و حضور آنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی امری به‌حق و پذیرفته شده بود. اگرچه پیش‌تر و در خرداد ۱۳۴۲، طی یک اقدام نمایشی و اصلاح سلطنتی زنان دارای حق رأی شده بودند؛ اما تجربه‌ی تاریخی و سیر رویدادهای پس از آن واقعه نشان داد که این قبیل کارها، علاج انسداد سیاسی زنان نیست.

جهت آگاهی از حضور زنان در برخی جنبش‌های معاصر، مثل ملی شدن صنعت نفت و نهضت ۱۵ خرداد، می‌توان به کتاب‌ها و کتاب‌خانه‌ها رجوع کرد؛ اما لازم به ذکر است که بدون بررسی پیشینه‌ی تاریخی زنان و مطالعه‌ی دقیق تاریخ‌مندی تمام فعالیت‌های آن‌ها، قضاوت و یا حتی بازگویی این حضور بسیار مشکل و چه بسا مخدوش خواهد بود. واکاوی این حضور نیازمند بحثی مقدماتی است که به دور از هرگونه تعصب و فارغ از نگرانی‌های سیاسی، تمامی جوانب جایگاه زنان در تاریخ جنبش‌های ایرانی را به دقت بررسی کند.

انتشارات دانشگاه ایلی نویز امریکا در همین خصوص پروژه‌ای را تحت عنوان یک کتاب دوجلدی به چاپ رسانده است که جلد اول آن «زنان در ایران از ظهور اسلام تا سال ۱۸۰۰ میلادی» نام دارد و جلد دوم «زنان در ایران از ۱۸۰۰ تا انقلاب اسلامی» نام گرفته است. سرپرستی، سرویراستاری و نویسندگی برخی از فصول این کتاب‌ها را گیتی نشاط و لوئیس بک برعهده داشته‌اند. گیتی نشاط استاد تاریخ دانشگاه ایلی نویز و پژوهشگر مؤسسه‌ی تاریخ دانشگاه استنفورد است و در عین حال برای دایرة‌المعارف ایرانیکا، نشریه‌ی مطالعات ایرانی، نشریه‌ی بین‌المللی مطالعات، خاورمیانه و دایرة‌المعارف اکسفورد در خصوص جهان مدرن اسلامی، بولتن مطالعات خاورمیانه، دایرة‌المعارف مطالعات زنان، و راهنمای بلکول در خصوص تاریخ جنسیت نیز مقاله می‌نویسد. تعدادی از آثار او به عربی، چینی، ایتالیایی، ژاپنی و اسپانیایی ترجمه شده و چندین جایزه‌ی معتبر بین‌المللی را کسب کرده است. وی از سال ۱۹۹۲ تا به امروز سرویراستاری پروژه‌ی «تمدن‌های جهان» را برعهده داشته و مدت هفده سال است که عضو کمیته‌ی مطالعات خاورمیانه در دانشگاه ایلی‌نویز است. از میان دیگر آثار او اهم آن‌ها بدین قرارند: زنان در خاورمیانه: بازگرداندن زنان به تاریخ (۱۹۹۱)، تاریخ خاورمیانه (۱۹۸۷)، ریشه‌های اصلاحات مدرن در ایران ۸۰-۱۸۷۰ (۱۹۸۲)، زنان و انقلاب در ایران (۱۹۸۳)، و اطلس اقتصادی (۱۹۹۸).

لوئیس بک - دیگر ویراستار این پروژه - استاد انسان‌شناسی و متخصص جامعه‌شناسی فرهنگی در دانشگاه شیکاگوست. زمینه‌ی کار او در حوزه‌ی مردم‌شناسی ایل قشقایی ایران است و در این مورد منابع تاریخی موجود را با تاریخ شفاهی ایل قشقایی ترکیب می‌کند. او در سال‌های ۱۹۹۵، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ سفرهایی به ایران داشته و در خصوص سیاست‌های اسلامی، اقتصاد در میان عشایر شرق ایران، آموزش عشایر قشقایی، دین و قومیت در جهان اسلامی، فرهنگ خاورمیانه و انسان‌شناسی جنسیتی مقالات و کتاب‌هایی نوشته است. از میان آثار لوئیس بک، عضو مرکز مطالعه‌ی تمدن‌ها و جوامع اسلامی، می‌توان به این عناوین اشاره کرد: تواریخ محلی: مطالعه‌ی جغرافیایی ایلات فرعی

آن گونه که خود نشاط می‌گوید هدف اصلی او در این کتاب، ارائه گونه‌های متدولوژی متفاوت در خصوص فهم آن دسته از نیروهای اقتصادی و اجتماعی است که بر زنان تأثیر می‌گذارند و متعاقباً نظام‌های ارزشی‌ای را شکل می‌بخشند که در واکنش به یک چنین شرایطی، کم‌کم نهادینه می‌شوند. به نظر او وضعیت زن ایرانی، و مثلاً غیبت گاه‌به‌گاهی او از صحنه‌ی اجتماع در طول تاریخ، فی‌الواقع واکنشی به اصلاح زندگی شهری است که در دوران سومریان آغاز شده بود. سپس با مثال‌هایی در مورد زنان هخامنشی شواهد مثالی در این باره ذکر می‌کند. برخی از منتقدان از جمله **ال. دانیل** استاد تاریخ دانشگاه، مسأله‌ی وابستگی وضعیت زنان به شرایط اجتماعی را به نقد کشیده‌اند. اما آن‌چنان که از مقدمه‌ی هر دو کتاب برمی‌آید، نویسندگان صراحتاً تأکید کرده‌اند که از میان همه‌ی شرایط زندگی، حیات و فعالیت زن ایرانی - در همه‌ی ادوار تاریخ - بیش از هر چیز به آموزه‌ها و آموزش‌های دینی بستگی داشته است. آن‌ها در طی مقالات جداگانه، روابط و میزان تأثیرگذاری تعلیم و تربیت اسلامی و زرتشتی بر ایفای نقش زنان را بررسی کرده‌اند.

آغازین جمله‌ی نخستین بخش این پروژه یعنی «زنان در ایران از ظهور اسلام تا ۱۸۰۰ میلادی» این سخن است که: «اگر چه غالباً تصور می‌شود این آموزه‌ها و تعلیم و تربیت اسلامی بوده‌اند که مسأله‌ی همچون نقش‌های جنسیتی، اعمال و نظام‌های ارزشی زنان، خلوت‌گزینی آن‌ها، حجاب، تابعیت قانونی زنان از مردان و... را شکل بخشیده‌اند، چنین نبوده و تمامی این مسائل در تاریخ پیش از اسلام ساکنان فلات ایران ریشه دارند.» شاید این ادعا به مذاق برخی تنگ‌نظران یا محققان مغرض غربی یا غرب‌گرایی ایرانی خوش نیاید؛ چرا که آن‌ها با تعقیب نوعی گرایش باستان‌گرایانه، مشکلات و مسائل زنان را با اسلام مرتبط می‌سازند و وضعیت زنان پیش از اسلام را بسیار آرمانی توصیف می‌کنند. اما نویسندگان کتاب که هر کدام متخصص در موضوع مورد بحث و پژوهشگران دانشگاهی بین‌المللی هستند، با برگرفتن مقاطعی از زندگی زنان ایرانی، در چارچوبی گسترده نقش و تأثیر ارتباطات، مشارکت‌های اقتصادی و تحصیلات را در زندگی زنان و بالعکس بازگو کرده و با شواهد و اسناد تاریخی، این اسطوره‌ی غلط غرب - بنیاد را فروریخته‌اند.

هر دو جلد کتاب براساس یک نظم زمانی و تاریخ‌مند تألیف شده‌اند و هر کدام حاوی ده فصلند. همانند اغلب مجموعه مقالات، کیفیت مطالب این کتاب‌ها نیز با یکدیگر متفاوت است، اما در این خصوص، ناهم‌واری و عدم یک‌دستی متن، به واسطه‌ی اختلاف زمینه‌ی مطالعات نویسندگان بارزتر شده و بازتاب بیشتری یافته است. تنها در جلد دوم کتاب، هفتاد اثر به عنوان منبع مورد استفاده مؤلفان بوده، که از آن میان «زنان در قرون میانه‌ی اسلامی» اثر **گوین هامبلی** شایان ذکر است. هم‌چنین تاریخ بی‌هقی مکرراً مورد

قشقایی در ایران (۲۰۰۰)، ایل: یک سال در میان ایلات قشقایی ایران (۱۹۹۱)، زنان در جهان اسلامی (۱۹۸۰)، قشقاییان ایران (۱۹۸۶)، قشقاییان جنوب ایران (۱۹۸۱).

پروژه‌ی «زنان ایران» مجموعه‌ای از مقالات است که به بررسی همه‌جانبه‌ی نقش زنان در اجتماع و فرهنگ ایرانی می‌پردازد، از روزگاران پیش از اسلام تا سال ۱۸۰۰ میلادی و سپس از ۱۸۰۰ تا وقوع انقلاب اسلامی و تحقق نظام جمهوری اسلامی ایران. این کتاب‌ها با کنار گذاشتن شعارها و اسطوره‌های مدرن در خصوص زنان ایرانی، نشان می‌دهند که زنان تقریباً در تمام ادوار تاریخی و تمام جنبه‌های زندگی ایرانی ایفاکننده‌ی نقشی بس مهم بوده‌اند. محدوده‌ی جغرافیایی کتاب از ایران کهن، با تمام گستردگی‌اش، آغاز می‌شود و گام‌به‌گام با واکاوی ساختارهای جنسیتی در ایران، نظام خانوادگی، نقش‌های اجتماعی، مشارکت‌های اقتصادی و تربیتی، همیاری‌های مذهبی و بازنمودهای هنری به قرون جدیدتر نزدیک می‌شود و بنا به گفته‌ی **ژانت آفاری** - مورخ و محقق ایران پروژه - نشان‌دهنده‌ی تنوع پرشمار فرهنگی در زندگی زنان ایرانی، در طول تاریخ و درون گروه‌های متفاوت اجتماعی است.

در خلال این کتاب، خواننده با تکوین و توسعه‌ی جنبش‌های زنان پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن آشنا شده و پیشینه‌ی مسائل زنان را به دوران‌های بس دور می‌رساند. بنا به گفته‌ی منتقدان (از جمله **ژورنال خاورمیانه** و **مجله‌ی مطالعات اسلامی**) خوانش این کتاب‌ها به فهم بهتر مسائل زنان ایرانی و رابطه‌ی اسلام و زن در خاورمیانه یاری می‌رساند. برخلاف اغلب آثاری که در این زمینه نوشته شده و عمده‌ی تأکید خود را بر اسطوره‌ها، فولکلور، سفرنامه‌ها و گزارشات تاریخی متمرکز کرده‌اند، «تاریخ زنان...» با تکیه بر شواهد دست اولی مثل مجموعه قوانین بابلی، السواح بر جای مانده از زمان هخامنشیان، کتاب هروودوت، متون مقدس زرتشتی، قرآن کریم و حتی سیره رسول الله ابن اسحاق و در دوره‌های متأخرتر با استفاده از انبوه آثار تألیف شده و اسناد به‌جا مانده در این خصوص، به اصل رجوع کرده است.

**هدف اصلی نشاط در این کتاب، ارائه گونه‌ای متدولوژی متفاوت در خصوص فهم آن دسته از نیروهای اقتصادی و اجتماعی است که بر زنان تأثیر می‌گذارند و متعاقباً نظام‌های ارزشی‌ای را شکل می‌بخشند که در واکنش به یک چنین شرایطی، کم‌کم نهادینه می‌شوند.**



تمام تصمیم‌گیری‌های مهم حکومتی و یا در رأس اقدامات سلطنتی، زنانی مقتدر وجود داشته‌اند.

با ذکر این نکته که پیش‌تر و در تاریخ سیزدهم مهرماه ۱۳۸۴، خبرگزاری و سایت کتاب ایران در یک معرفی کوتاه، از چاپ و انتشار این کتاب خبر داده بود، به سراغ محتویات و سرفصل‌های مهم این کتاب می‌رویم.

«زنان در ایران از ظهور اسلام تا سال ۱۸۰۰ میلادی» ۳۷۲ صفحه دارد. فصل اول کتاب - پس از یک قدرانی، یک یادداشت برای آوانگاری، یک گاه‌شماری و یک مقدمه‌ی یازده صفحه‌ای روشن‌نگر - از صفحه‌ی یازده آغاز می‌شود و «زنان در ایران پیش از اسلام و سال‌های نخستین اسلام» نام دارد. این بخش - و البته مقدمه را - گیتی نشاط نوشته است و همان‌طور که از نامش پیداست، به وضعیت زنان ایرانی پیش از ظهور اسلام و آغازین سال‌های ورود اسلام به ایران می‌پردازد. فصل دوم با عنوان «زنان در طی دوران گذار از عهد ساسانی به نخستین سال‌های اسلام»، نوشته‌ی جمشید کی. چوکسی است و دوره‌ی کوتاه اما پراهمیت انتقال فرهنگی از ساسانیان به اسلام، تأثیر و تأثر این دو بر - و از - یکدیگر و طبعاً پیامدهای آن بر موقعیت زنان را برمی‌رسد. در فصل سوم کتاب که ریچارد بو.بولیت با عنوان «زنان و خبگان دینی شهری در دوران پیش از مغول» نگاشته است، زمینه‌های ظهور مغول‌ها و تیموریان به‌دقت و از منظر توجه به امور زنان بررسی شده و به معرفی زنانی می‌پردازد که در این دوره به لحاظ دینی از اهمیت و اشتها برخوردار بوده‌اند. «زنان در قرن چهارم: اسنادی از تاریخ بیهقی» که از صفحه‌ی هشتاد تا صد و سه کتاب را به خود اختصاص داده، فصل چهارم کتاب و نوشته‌ی جولی اسکات میثمی است. کارول هیلن براند در فصل پنجم با نام «زنان در دوره‌ی سلجوقی» وضعیت زنان در عهد سلجوقیان را بررسی کرده و با تکیه بر اسناد و مدارک تاریخی و ادبی از تأثیر و نفوذ مهم زنان در این دوره پرده برمی‌دارد. فصل نوزده صفحه‌ای ششم، یعنی «زنان در سیاست‌های دوره‌ی تیموری» را بناتریس فوربس منز با هدف بازنمودن نقش زنان در توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی و هنری عهد تیموریان تألیف کرده است، فصل هفتم «منزلت، دانش و سیاست: زنان در روزگار صفویه» نام دارد. سی صفحه است و اثر طبع ماریا زوپه. هشتمین فصل کتاب که با دیگر

استناد قرار گرفته تا از میان روایت‌های مستند آن وضعیت زنان به‌گونه‌ای روشن‌تر ترسیم شود. مراجعه به دواوین شعرا و تحلیل محتوای اشعار آن‌ها یکی دیگر از شیوه‌هایی است که نویسندگان کتاب بدان وسیله به جمع‌آوری شواهد و اسناد پرداخته‌اند و از آن میان تحلیل آثار نظامی، و شاید از همه مهم‌تر، تعمق و بررسی شاهنامه‌ی حکیم فردوسی از همه جالب‌تر است.

تأثیر سیاست‌گذاری‌های سلطنتی بر کارکرد زنان در اجتماع و این که با رفتن و آمدن یک شاه یا وزیر، قوانین مربوط به زنان هم تغییر می‌کرد، از دیگر نکات جالب این کتاب است. چه بسیار قوانین که در یک زمان رعایت‌شان اجباری بوده است و زمانی دیگر به بوت‌های فراموشی سپرده شده‌اند. حضور زنان در نقاشی و تحول این حضور، در کنار بررسی آن دسته از نقاشی‌های ایرانی که یا زنان نقاش آن بوده‌اند و یا نقش زنان در آن ترسیم شده، از قسمت‌های خواندنی و پرنکته‌ی کتاب است.

زنان سلطنتی، نقش زنان در دربار و از جمله مطالعه‌ی موردی دربار سلجوقیان، تیموریان و صفویان هم اگرچه بسیار جذاب و دقیق است، اما به‌نظر می‌رسد کمتر بدان پرداخته شده و بهتر بود بخش‌های بیشتری بدان اختصاص می‌یافت. مراسم ازدواج و نقش زنان در این خصوص، زنان قهرمان، زنان شاعر، زنان معمار، از بخش‌های تقریباً مفصل کتاب هستند و جالب این که تقریباً در تمامی قسمت‌های ایران زمین از گرگان و قزوین گرفته تا شیروان و یزد و اردبیل و سرخس و ... با اتکاء به شواهد و اسناد، نویسندگان به معرفی زنان برجسته‌ی آن شهرها پرداخته و نمونه‌هایی به‌دست داده‌اند.

آشنایی با زنانی هم‌چون پری‌خان خانوم، زینب بگم، تاجلو خانوم، پری‌خان خانوم دوم، شیرین نظامی، خان بگم، خانیش خانوم دوم، ماه‌پری خاتون، و بسیاری دیگر از زنان ایرانی که هر کدام در زمانه‌ی تنگ نظری‌ها و در میانه‌ی کوفته‌فکری‌ها یا ساختن مدرسه و مسجد، مشاوره‌های سیاسی و اقتصادی، از دواج‌های سرنوشت‌ساز، تدریس به کودکان درباری یا آموزش به پدران متعصب، نقشی بس عمیق در رویدادهای اجتماعی بازی کرده‌اند، هنگامی جذاب‌تر می‌شود که در کنار آن رویکرد کسانی مثل شاه طهماسب، ابوسعید، الغ بیگ، خلیل سلطان، سلطان محمود، سلطان مسعود و دیگر سلاطین و امرا نیز مطالعه شود. آن‌گاه خواننده خواهد دید که در پس



## با مطالعه‌ی وضعیت پویا و متحول زنان در تاریخ درازآهنگ ایران، می‌توان دید که زنان ایرانی خواهان تقلید بی‌چون‌وچرا از مفاهیم فمینیسم جهانی نیستند بلکه با نقد، تحلیل و بومی‌سازی این مفاهیم می‌کوشند هم بر جریان‌ات اساسی تأثیر گذارند و هم مطالبات قانونی خویش را پی‌گیرند

فصول نیز متفاوت است، نوشته‌ی محمود امیدسالار است و «زنان و آب‌ها، دوران دوشیزدگی و قطع‌تاری از اقتدار سلطنتی در شاهنامه» نام دارد. که البته به وضعیت زنان ایران کهن - پیش از ازدواج - می‌پردازد و در عین حال تقدس زن در اساطیر کهن ایرانی را بازگو کرده و نقش پررنگ و انکارناشدنی زنان را در شاهنامه وامی‌کاود. فاطمه کشاورز در فصل نه کتاب که «رام کردن شاه سرکش با شیرین نظامی به عنوان محبوب و تعلیم‌دهنده» نام دارد، ابتدا با شواهدی از خمسه‌ی نظامی به وضعیت زن در عهد این شاعر پرداخته و سپس با مطالعه‌ی موردی داستان خسرو و شیرین، نقش شیرین را از یک معشوقه‌ی صرف به یک معلم و هدایت‌کننده‌ی پادشاه تندخو و عصبی مزاج برمی‌کشد. در این‌جا، شیرین هم‌چون یک استاد علم سیاست و یا جامعه‌شناسی وارد عمل شده و با اطلاع از علم روان‌شناسی بر ذهن و ضمیر خسرو اثر می‌گذارد. و بالاخره فصل پایانی کتاب یعنی «تصویر زن در نقاشی ایرانی»، بیست و یک صفحه دارد. مؤلف این فصل لیلا.اس. دیبا به سبک‌شناسی وضعیت زن در نقاشی‌های ایرانی پرداخته و تحول جایگاه او را در برهه‌های مختلف تاریخی، با اتکاء به نقاشی توضیح داده است. در پایان، کتاب با معرفی مختصری در مورد نویسندگان و یک نمایه‌ی مفصل پایان می‌یابد.

روزگار می‌گذاشتند به تحریر در آورده است. پس از طی یک دو فصل که مسأله‌ی اشتغال زنان ایرانی و نمایندگان زن در مجالس پیش از انقلاب را بررسی می‌کند، در فصل هشت مبحث تکنیکی «جنسیت، حقوق و اسلام» توسط زیبا میرحسینی و از منظر گفتمان‌های حقوقی پس از انقلاب به بحث و بررسی گذاشته شده است. فصل نه به بررسی زنان ایلات و عشایر اختصاص یافته و با عنوان «تاریخ شفاهی زنان: یک مطالعه‌ی موردی از بویراحمد» توسط اریکا فریدل، به بازنمایی این گوشه‌ی نسبتاً تاریک و مغفول تاریخ زنان پرداخته است.

فصل ده کتاب نیز با همین رویکرد و توسط لوئیس بک با عنوان «زنان قشقایی در ایران پس از انقلاب» و در ۲۹ صفحه به نگارش درآمده است.

به نظر می‌رسد خوانش این کتاب، دست کم به فهم درست جنبش‌های زنان در ایران یاری می‌رساند. در این آشفته بازاری که انواع و اقسام مکاتب فمینیستی از لیبرال و رادیکال گرفته تا مارکسیست - سوسیالیست و حتی فمینیست‌های فرودبی، لاکانی و فمینیسم متمایل به نظرات لوس ایریگاری (فمینیسم فرانسوی ناظر به جسم) پای به ایران گذاشته‌اند و زنان ایرانی را به شرکت در محافلشان تشویق - و یا وسوسه می‌کنند، با مطالعه‌ی وضعیت پویا و متحول زنان در تاریخ درازآهنگ ایران، می‌توان دید که زنان ایرانی خواهان تقلید بی‌چون‌وچرا از مفاهیم فمینیسم جهانی نیستند بلکه با نقد، تحلیل و بومی‌سازی این مفاهیم می‌کوشند هم بر جریان‌ات اساسی تأثیر گذارند و هم مطالبات قانونی خویش را پی‌گیرند. این نوع مطالعات، گامی بزرگ تواند بود تا بانوان ایرانی، هویت مستقل تاریخی و فکری خویش را در تعامل با جهان مدرن، به صورت متوازن و متعالی باز یابند.

### پی‌نوشت:

- ۱ - گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۶۷۱
- ۲ - دلریش، بشری، زن در دوره‌ی قاجار، تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۶۷-۱۶۶
- ۳ - ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، بخش دوم، جلد چهارم، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۲۳